ایران و جهان در سال ۱۹۷۹

گزارش چهارم: نشست سران چهار قدرت بزرگ غربی در گوادلوپ و آینده ایران

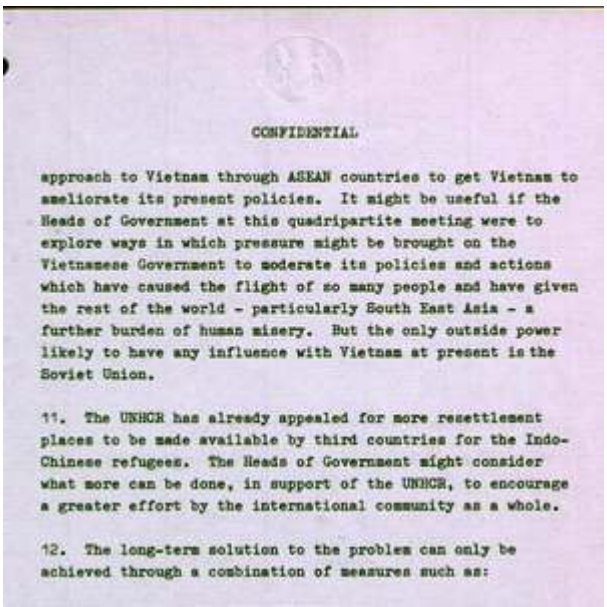

CONFIDENTIAL

approach to Vietnam through ASEAN countries to get Vietnam to ameliorate its present policies. It might be useful if the Heads of Government at this quadripartite meeting were to explore ways in which pressure might be brought on the Vietnamese Government to moderate its policies and actions which have caused the flight of so many people and have given the rest of the world - particularly South East Asia - a further burden of human misery. But the only outside power likely to have any influence with Vietnam at present is the Soviet Union.

11. The UNHCR has already appealed for more resettlement places to be made available by third countries for the Indo-Chinese refugees. The Heads of Government might consider what more can be done, in support of the UNHCR, to encourage a greater effort by the international community as a whole.

12. The long-term solution to the problem can only be achieved through a combination of measures such as:

نویسنده : مجید تفرشی

گزارش هایی از اسناد طبقه بندی شده تازه آزاد شده در آرشیو ملی بریتانیا درباره ایران و جهان

سران چهار قدرت بزرگ غربی در روزهای پنجم و ششم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۵ و ۱۶ دی ۱۳۵۷) در گوادلوپ، یکی از مناطق تحت الحمایه فرانسه در کاراییب شرقی گرد هم آمدند تا برخی از مهمترین مسایل راهبردی جهان را مورد بررسی و تبادل نظر قرار دهند.

در سه دهه اخیر ادعاهای بسیاری در نقش این نشست در تعیین تکلیف آینده ایران در آستانه سقوط نظام پادشاهی، پیروزی انقلاب و برقراری نظام جمهوری اسلامی مطرح شده و سخنان مختلف بعضا متضادی درباره نقش واقعی و جزییات این نشست بیان شده است. از آن جایی که دو پرونده قطور در اسناد تازه آزاد شده در آرشیو ملی بریتانیا به این نشست مربوط است، بد نیست بخش جداگانه ای از این گزارش ها را به بررسی اجمالی این نشست اختصاص دهیم.

بر اساس یک مکاتبه محرمانه از سوی سفارت بریتانیا در واشنگتن با لندن، ظاهرا نخستین ابتکار اجرایی برای برگزاری یک نشست خصوصی از سران چهار کشور اصلی غربی به ۱۸ اکتبر سال ۱۹۷۸ (۲۶ مهر ۱۳۵۷) مربوط است، زمانی که زبیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی جیمی کارتر رییس جمهور آمریکا در تماسی تلفنی با پیتر جی سفیر وقت بریتانیا در واشنگتن اعلام کرد که در سفر اخیرش به سه شهر بن، پاریس و بلکپول و دیدار با رهبران آلمان غربی، فرانسه و بریتانیا از راه های مختلف متوجه شده این سه کشور علاقمند برگزاری یک نشست ویژه کاملا خصوصی و غیر رسمی سران برای بررسی مسایل مورد نظر عمده بین المللی هستند.

به گفته مشاور عالی امنیت ملی آمریکا، هم اکنون پس از چند ماه، پرزیدنت کارتر از او خواسته بود تا بررسی کرده و ببیند آیا برای جیمز کالاهان (نخست وزیر بریتانیا)، هلموت اشمیت (صدر اعظم آلمان غربی) و والری ژیسکاردستن (رییس جمهور فرانسه) امکان دارد که در حدود اواخر سال جاری میلادی در یک نشست فشرده و خصوصی برای بررسی مسایل راهبردی بین المللی، احتمالا با افزودن رهبران ایتالیا، ژاپن و کانادا دور هم جمع شوند یا نه؟

پیشنهاد مشخص و اکید برژینسکی این بود که برای استفاده بهینه و حداکثری از چنین نشست فوق العاده ای باید حتی المقدور تلاش کرد که اولا: موضوعات مورد بررسی از قبل دقیقا تعیین شودند. ثانیا: رهبران هر کشور در این نشست با حداقل ممکن هیات همراه حاضر شوند. او همچنین به عنوان نکته سوم تاکید کرد که دولت آمریکا خواهان ابراز تمایل هر چهار کشور به برگزاری این نشست است و مطلقا مایل نیست تا برگزاری این نشست به عنوان ابتکاری رسما از سوی واشنگتن تلقی شود. چهارمین نکته مورد درخواست و ادعای برژینسکی این بود که آمریکایی ها نکته و موضوع خاصی را برای طرح در این نشست در نظر ندارند و مسایل دفاعی، سیاسی و اقتصادی مورد بحث با توافق همه سران مورد توافق و طرح قرار خواهد گرفت.

به باور سفیر بریتانیا در واشنگتن، قصد اصلی کارتر در برگزاری چنین نشستی سه جنبه داشت: حل و فصل موارد مبهم و تعیین تکلیف نشده بین آمریکا و متحدان اروپایی اش، حل و فصل برخی اختلاف نظرهای جدی بین ایالات متحده و آلمان غربی در دوران زمام داری کارتر و اشمیت و نهایتا تلاش برای اعتماد سازی مجدد و تثبیت رهبری آمریکا.

پس از آن که سران چهار کشور درباره نفس برگزاری این نشست به توافق رسیدند، پروسه بررسی زمان، مکان و موضوعات مورد بحث در این نشست آغاز شد. دولت آمریکا اصرار داشت تا این نشست حداکثر تا اوایل سال ۱۹۷۹ و قبل از آغاز طرح و بررسی پیمان و توافق نظامی سالت سه بین واشنگتن و مسکو در کنگره آمریکا انجام شود. این در حالی بود که سفیر بریتانیا آمریکا در گزارش ۱۹ اکتبر خود، ضمن ابراز تردید جدی از به نتیجه رسیدن مذاکرات سالت سه بین سران دو ابر قدرت شرق و غرب، ادعای طرح این پیمان در کنگره آمریکا ظرف چند ماه آینده را "حاوی عناصری از بلوف" قلمداد کرد، ولی در عین حال "اشتیاق آمریکا برای دانستن دیدگاه های بین المللی و راهبردی هم پیمانان خود" در این مورد را امری قابل درک دانست.

مذاکرات بعدی درباره چند و چون برگزاری نشست سران قدرت های غربی نشان داد که فرانسه به طور آشکار و بریتانیا و آلمان غربی به طور تلویحی با افزودن سران و نمایندگان ایتالیا، ژاپن و فرانسه به این نشست مخالف هستند و این سه کشور را در رده نخست تصمیم گیری مسایل راهبردی کلان بین المللی نمی دانستند. از این جهت عملا و به سرعت نام این سه کشور از فهرست دعوت

شدگان به نشست سران حذف و تنها ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و آلمان غربی در فهرست اصلی باقی ماندند. با این همه قرار شد که سران سه کشور حذف شده، دیدگاه ها و خواسته های خود را از طریق دیگر کشورها به گوش حاضران در نشست برسانند.

دیگر پیشنهاد رییس جمهور فرانسه همچنین خودداری اکید از علنی و رسانه ای کردن نشست سران و تلاش جدی برای خصوصی و محدود نگاه داشتن ابعاد مختلف آن بود. از این رو چنین تصمیم گرفته شد که در همه نشست های این گرد هم آیی منحصرا رهبران چهار کشور دعوت شده، هر کدام فقط با همراهی یک مشاور و دستیار حاضر شوند. امری که تا آن زمان امری نامعمول در نشست های رسمی پرازدحام سران در عرصه گفتگوها و مناسبات دیپلماتیک به شمار می رفت. ژیسکاردستن همچنین به دلیل مشغله های فراوان پیشنهاد برگزاری نشست در هفته آخر سال ۱۹۷۸ را ناممکن دانست و با برگزاری آن در هفته نخست سال ۱۹۷۹ موافقت کرد.

یکی دیگر از پیشنهادهای مطرح شده، برگزاری نشست سران پس از اجلاس سران کشورهای صنعتی غرب در ماه ژوئن در توکیو بود. این پیشنهاد به دلایل مختلفی از سوی لندن و واشنگتن رد شد. چرا که به نظر آنان موضوعیت اضطراری بودن این نشست عملا از میان می رفت و از میزان تاثیرگذاری و موفقیت آن در یکسان سازی دیدگاه های سران به شدت می کاست. نهایتا تاریخ پنجم و ششم ژانویه به تایید هر چهار طرف درگیر در این نشست رسید.

کارتر اگرچه درباره محل برگزاری نشست سران پیشنهاد خاصی نداشت، ولی اعلام کرد که به دلیل دغدغه های خود و همکارانش برای خصوصی ماندن برنامه و دور بودن از دسترس خبرنگاران، این اجلاس در یک منطقه دور افتاده و نه چندان راحت برای دسترسی افراد عادی انجام شود. ژیسکاردستن در این مورد نیز اعمال نظر کرد و پیشنهاد برگزاری نشست در یکی از مناطق دور افتاده تحت الحمایه کشورش را مطرح کرد. نهایتا با رایزنی های مختلف منطقه نسبتا دور افتاده گوآدلوپ در شرق کاراییب که از نواحی تحت الحمایه فرانسه بود و در آن زمان دارای آب و هوایی مطبوع هم بود برای برگزاری این نشست دو روزه برگزیده شد.

بر این اساس و با توجه به پذیرش بسیاری از پیشنهادهای مقدماتی فرانسه، از این زمان به بعد رسما و برای ثبت در تاریخ تایید شد که نشت سران چهار کشور بزرگ غربی در گوآدلوپ به دعوت رسمی ژیسکاردستن برگزار خواهد شد.

موضوع بعدی محتوای موضوعات مهم قابل طرح در نشست سران بود. سفیر بریتانیا در آمریکا در دیدار ۲۶ اکتبر (٤ آبان) خود با برژینسکی از علاقه کشورش برای طرح موضوع تعیین و تبیین خط مشی روابط اروپا و آمریکا خبر داد. برژینسکی نیز با اشاره به "اوضاع داخلی بسیار وخیم ایران" موضوع ایران را به همراه لزوم تعیین سیاست متحد غرب در برابر آفریقای جنوبی و مناقشه فلسطین و اسراییل را دارای اولویت طرح در نشست چهار جانبه گوآدلوپ دانست.

جان هانت وزیر مشاور در کابینه جیمز کالاهان در یادداشت هفتم دسامبر (١٦ آذر) خصوصی خود به نخست وزیر کشورش، پیشنهاد اولیه لندن محورهای کلی نشست گوآدلوپ را این گونه مطرح کرد: موضوعات خاکستری غیر شفاف در مواضع اروپا و آمریکا (از قبیل سالت و خلع سلاح بین المللی)، کشورهای دچار مشکل (چین و ایران). با این همه هر چهار کشور بعدا موضوعات بیشتری را به فهرست پیشنهادهای خود برای درج در دستور کار گوآدلوپ افزودند .

فهرست نهایی موضوعات اصلی برای طرح احتمالی در کنفرانس سران در گوآدلوپ به ترتیب این گونه بود: نقاط خاکستری و غیر شفاف بین اروپا و آمریکا، پیمان سالت، خلع سلاح بین المللی، مسایل مبرم در پیمان ناتو (از قبیل استقرار تانک ها، بودجه دفاعی آمریکا و همکاری های عمومی تسلیحاتی)، روابط شرق و غرب (شامل سیاست شوروی در آسیا و آفریقا)، مشکلات منطقه بالکان، چین و فروش جنگ افزار به آن کشور، بحران ایران، تلاش شوروی برای رهبری جهانی، سیاست شوروی در قبال خلیج فارس و اقیانوس هند، خاور میانه، جهان اسلام، اقتصاد جهانی (شامل بیکاری، بهای جهانی نفت و موضوع نقدینگی جهانی)، مساله شمال-جنوب، کنفرانس سران در توکیو، مسایل سیاسی اقتصادی داخلی کشورهای مدعو، اقتصاد بریتانیا، معضل دراز مدت انرژی (نفت و انرژی هسته ای) و مسایل دیگر کشورها (ترکیه، قبرس، افریقای جنوبی، زییر و اتیوپی). هر چند عملا زمان برای طرح همه این موضوعات فراهم نشد .

در تصمیم گیری نهایی، شرکت کنندگان مشاور و همراه با سران چهار کشور چنین معرفی شدند: زبیگنیو برژینسکی مشاور شورای امنیت ملی آمریکا، سر جان هانت وزیر مشاور در دولت کارگری بریتانیا، یورگن روفوس مشاور امور سیاست خارجی صدر اعظم آلمان غربی و وال مشاور سیاست خارجی رییس جمهور فرانسه.

در گزارش اولیه توجیهی که برای نخست وزیر بریتانیا جهت طرح مواضع کشورش در نشست گوآدلوپ مطرح شده در قسمت ایران چنین آمده است: "به نظر می رسد که به احتمال زیاد شاه یا خواهد رفت یا باید امتیازات قابل ملاحظه ای بدهد، در هر یک از دو صورت منافع غرب از تبعات آن لطمه خواهد دید. اتباع غربی مقیم ایران ممکن است نیاز به حمایت داشته باشند و چهار کشور به طور هماهنگ در حال برنامه ریزی برای تخلیه اتباع خود از ایران هستند. ترکیبی از شکست غرب در ایران، ترکیه و پاکستان و محکم شدن جای پای روسیه در افغانستان، جمهوری دمکراتیک یمن و شاخ آفریقا می تواند امری جدی باشد. چهار کشور احتمالا کار زیادی در مسایل داخلی ایران نمی توانند انجام دهند، ولی همکاری چهار کشور در سیاست مشترک یا پذیرش هر رژیم جدیدی و جلوگیری از به هم خوردن غیر محترمانه [مناسبات] برای حفظ قراردادها می تواند ارزشمند باشد".

در گزارش توجیهی اولیه بریتانیا همچنین بر ضرورت حمایت جمعی کشورهای حاضر در نشست از همکاری و حمایت از کشورهای همسایه ایران برای کاهش تبعات انقلاب ایران بر آن ها و به خصوص لزوم کوشش آمریکا برای ابراز اطمینان نسبت به حمایت از عربستان سعودی شده است.

بریتانیا همچنین از تاثیرگذاری تحولات ایران بر دیگر کشورهای عضو پیمان سنتو به خصوص پاکستان و ترکیه ابراز نگرانی کرد و خواستار اعمال نفوذ از سریق آمریکا و فرماندهی سنتو برای مقابله با این معضل احتمالی شد. البته با خروج اولیه ایران و سپس ترکیه و پاکستان از سنتو و انحلال آن، پی گیری این گزینه عملا منتفی شد.

در یک گزارش سری توجیهی دیگر که در تاریخ سوم ژانویه (۱۳ دی) سه روز قبل از آغاز نشست سران توسط دفتر نخست وزیر بریتانیا برای ارایه در گوآدلوپ تهیه شده در مورد ایران تاکید شده که یکی از تبعات انتخاب احتمالی انتخاب شاپور بختیار به نخست وزیری ایران می تواند درخواست او از شاه برای خروج موقت از کشور باشد که می تواند آغازی بر پایان شاه و سلطنتش باشد.

در این گزارش توجیهی از گزینه های مختلفی از قبیل ادامه حمایت ارتش از شاه یا تلاش تندروان نظامی برای انجام یک کودتا مطرح و تاکید شده که تجربه حکومت ژنرال غلامرضا ازهاری نشان داده که حضور نظامیان در صحنه بر شدت گرفتن بحران خواهد افزود.

ادامه این گزارش درباره توفیق احتمالی دولت بختیار می نویسد: "نیروهای میانه رو علاقمند هستند به بختیار شانسی برای موفقیت بدهند، ولی این موضوع به بستگی به این دارد که شرایط عمومی مرتبط با خروج شاه موجب رضایت آیت الله خمینی خواهد شد یا نه؟"

در پایان این گزارش تاکید شده است: "منافع ما در داشتن روابط باثبات و تقریبا دوستانه با ایران است. اگر به این هدف، که دیگر با وجود شاه ممکن نخواهد بود، دست یابیم باید شرایط را بپذیریم. ولی تبعات خارجی [حوادث ایران] شدید خواهد بود و می تواند ثبات دیگر رژیم های سنتی در خلیج [فارس] و خاور میانه را به خطر اندازد." حمایت کامل سیاسی و نظامی، چنان که در مورد شاه انجام شد، می توند به تحکیم غیرطبیعی اوضاع آن کشورها کمک کند، ولی پیشنهاد ایجاد اصلاحات داخلی هم ممکن است با مخالفت این کشورها مواجه شود".

علاوه بر این گزارش های توجیهی، سر جان گراهام سفیر بریتانیا در تهران نیز علاوه بر پستهای معمول خود به طور اختصاصی و مستقیم ریز تحولات و حوادث ایران را مرتبا برای کالاهان در گوادلوپ ارسال می کرد تا در نشست های مربوطه مورد استفاده قرار گیرد. دیوید اوئن وزیر خارجه نیز با ارسال چند گزارش تحلیلی از اوضاع ایران کالاهان را در جریان تحلیل های خود و همکارانش در قبال تحولات ایران می گذاشت.

در یکی از گزارش های گراهام تنها یک روز قبل از آغاز نشست سران در گوآدلوپ عنوان شده بود که شعار نویسی و تظاهرات خیابانی در ایران علیه حکومت در آستانه شکل گیری شاپور بختیار از هم اکنون آغاز شده و با تعطیلی مدارس و دانشگاه ها و متوقف شدن کلیه فعالیت های اقتصادی، شرایط از گذشته نیز وخیمتر است و در آینده با ادامه این وضع وخیم تر هم خواهد شد.

در این گزارش از احتمال مماشات موقت با دولت بختیار برخی از نیروهای معتدل از قبیل مهدی بازرگان و برخی از آیت الله های قم صحبت شده، ولی تاکید شده که کریم سنجابی رهبر جبهه ملی که بختیار را از این جبهه اخراج کرده، احتمالا از سر حسادت به مخالفت با دولت بختیار خواهد پرداخت.

سوال اصلی در گزارش گراهام به کالاهان در گوآدلوپ این است که شرایط مطرح شده بین شاه و بختیار برای خروج شاه از ایران (بر خلاف نظر اردشیر زاهدی و ژنرال های کمی تندرو) چه بوده و این شرایط با توجه به تاکید رهبری انقلاب اسلامی بر ضرورت سرنگونی کامل نظام سلطنت در ایران موضوع انقلابیون در این باره چه خواهدبود؟

بر اساس یک گزارش سری از نشست سوم در روز دوم کنفرانس گوادلوپ در روز شنبه ششم ژانویه، در زمان طرح موضوع ایران، شرکت کنندگان در این نکته که شاه ظاهرا چاره ای جز ترک ایران ندارد نظر مشترک داشتند. رییس جمهور آمریکا از خروج شاه طی چند روز آینده خبر داد. با این همه کارتر اعلام کرد که به نظر او بخت به ثبات رسیدن شرایط در حال حاضر (درآستانه تشکیل دولت بختیار) بیشتر از دو هفته قبل است.

کالاهان از بازگشت ارتشبد فریدون جم به ایران اظهار خوشوقتی کرد و گفت امیدوار است که او بتواند به کشورش کمک کند. این در حالی بود که جم در بازگشت به ایران پیشنها بختیار برای تصدی وزارت جنگ را رد کرد و مجددا از ایران خارج شد. نخست وزیر بریتانیا همچنین پیش بینی کرد: "هر حکومت آینده ای در ایران احتمالا کمتر از حد متعادل در جهان عرب نفوذ خواهد کرد و احتمالا بیشتر با اتحاد شوروی دوست خواهد بود".

ژیسکاردستن ضمن حذف سیاستمداران از گزینه های فرارو در اوضاع ایران عنوان کرد که در شرایط فعلی در ایران، از یک سو نظامیان قرار دارند و از سوی دیگر رهبران دینی. رییس جمهور فرانسه همچنین عنوان کرد: "او پیش از این تصمیم گرفته بود خمینی را از فرانسه اخراج کند، ولی شاه از او خواسته بود تا چنین نکند".

بر اساس این اسناد، معضل و دغدغه اصلی سران حاضر در گوآدلوپ در مساله ایران عدم مداخله شوروی در امور ایران و جلوگیری از تبدیل ایران به حوزه نفوذ کمونیسم و بلوک شرق پس از تغییر نظام سیاسی کشور بوده است و بحث تبعات انقلاب در منطقه و در چارچوب جنگ سرد بر دیگر مسایل مربوط به ایران چیرگی داشته است.

کالاهان در پایان نشست گوآدلوپ و قبل از بازگشت به کشورش برای یک دیدار رسمی به هندوراس رفت و سپس به لندن بازگشت. او روز ١٦ ژانویه (٢٦ ژانویه) همزمان با خروج شاه از ایران در مجلس عوام در پاسخ به یک پرسش پارلمانی درباره ماجرای گوآدلوپ در قسمت ایران گفت: "ما بحث های جدی درباره برخوردی که باید با موضوع ایران داشته باشیم انجام دادیم. ما در زمانی دیدار داشتیم که موضوع هنوز خاتمه نیافته است. بنابراین من نمی توانم ادعا کنم که به یک توافق دقیق برای رفتار مشترک غرب دست یافتیم. ولی برای ما موضوع مشخص بود. وضع بغرنجی است. شاه همین امروز ایران را ترک کرده است. این موضع خنده آوری نیست. مقامات ما همچنان پدر دیدارهای خود پی گیر موضوع هستند و تلاش می کنند از منافع غرب محافظت کنند. در همین حال باید به مردم ایران اجازه داد تا به درستی، و امیدواریم به شیوه دمکراتیک، رهبرانشان را انتخاب کنند".

پژوهش و نگارش: مجید تفرشی

منبع: دیپلماسی ایرانی